

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

توهمات باطنی و اما تلاش‌های بظاهر شجاعانه

امیدهای شکننده در عرصه تأمین امنیت سراسری
بی‌نظمی‌های درونی به کجا خواهد انجامید؟

افراط و تفریط و انزوا و گوشه‌گیری
میدان جنگ اسلام‌گرایان
کمیت مشخصات روحی
عملکردهای هدایت‌شده

بگونه معمول باید متذکر گردید که توهم حالتی از تغییر هوشیاری دانسته می‌شود که در آن فرد موضوعی را احساس و ادراک می‌نماید که اصلن واقعیت خارجی ندارد ولی فرد مبتلابه توهم، آنها را واقعی می‌پندارد و بر واقعی بودن آنها اصرار هم می‌نماید. توهم معمولن بمثابه یک نشانه اساسی در اختلالات روانی محسوب می‌گردد و لازمه بررسی و علت‌یابی و تشخیص‌گذاری مفید می‌باشد.

طبق اظهارات بعضیها، توهم حالتی است که در آن فرد چیزهایی را احساس می‌کند که وجود خارجی ندارند، ولی فرد، وجود آنها را واقعی و عینی می‌داند. اما اختلال ادراکی در حالتی اتفاق می‌افتد که فرد یک امر واقعی را بگونه دیگری درک می‌کند، موضوعات خارجی در حالت اختلالات ادراکی، تحریف شده و تغییر شکل یافته به نظر می‌رسند.

توهم خود بمثابه بیماری نیست، بلکه به عنوان نشانه‌ای از برخی اختلالات مورد توجه محسوب می‌گردد، از اینرو از بین بردن توهم، معمولن در نظر متخصصان بالینی نیست. آنها به عنوان نشانه‌شناسی بیماری‌های روانی، وجود یا عدم وجود توهم را مدنظر قرار می‌دهند و در صورت وجود چنین موردی با تشخیص نوع اختلال، به درمان اختلالات مبادرت می‌ورزند که کاهش حالات توهمی را به دنبال دارد.

یادآوری این مسأله لازمی به نظر می‌رسد که درگام نخست، بویژه با ظهور حاکمیت‌هایی بمثابه بازیکنان جدید، دولت‌های مدرن، اصل انحصار جنگ را از دست داده‌اند. از رهبران محلی نیز می‌توان نامبرد، گروه‌های جداگانه نظامی شرکت‌های خصوصی جنگی که تأمین‌کننده سایر ضروریات نظامیان بوده و احتیاجات لازمی جنگجویان را نیز فراهم نموده که گروه‌های تروریستی و دهشت‌افکن با استفاده از چنین امکانات، به اجرای عملیات‌ها و انجام اقدامات خرابکارانه متوسل گردیده و بیشترین بخش‌هایی از حیات اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بسیاری از بازیکنان جدید یادشده، در صدد تداوم جنگ به گونه کاملن منحصربفرد بمثابه کسب و کار اصلی می‌باشند. آنها عواید و مصارف‌شان را محاسبه نموده و منابع مادی و اقتصادی را در خدمت تداوم عملیات‌های نظامی و جنگی قرار داده، وسایل و امکانات مادی و پولی را از اشخاص و افراد متمول، از مراجع مختلف دولتی و از گروه‌های نژادی و مذهبی گردآورده، بهره‌برداری از منابع طبیعی مناطق تحت کنترل‌شانرا به عده‌ای از آنها

به اجاره داده، به تجارت غیر قانونی مواد مخدر و قاچاق انسان پرداخته، کمک‌ها و معاونت‌های جهانی سازمان‌ها را جلب نموده، ارگان‌ها و سازمان‌های ارائه‌کننده کمک به مهاجران راتحت کنترل و نظارت قرار داده و چگونگی عملکردهای آنان را مورد بررسی قرار می‌دهند. بدین ترتیب، آنها در موقعیت ارائه معاونت‌های مالی جنگ‌ها با استفاده و بکارگیری منابع سنتی کشورهای دیگر صنعتی قرار دارند. تغییر اشکال و شیوه‌های تأمین مالی جنگ‌ها زرد و خوردهای کنونی منجر به این امر خواهد گردید که جنگ‌های شعله‌ور شده، ممکن سال‌های متمادی بدرازا کشد، هیچ نقطه آغاز و ختم جنگ‌ها قابل پیش‌بینی نبوده و پایان آنها اصلن بمشاهده هم نمی‌رسد. چنانچه واقعیت‌یادشده در مورد جنگ‌های قبلی تاریخی بروشنی و وضاحت کامل صدق می‌نماید.

بارتباط ختم انحصار دولتی بر محدوده‌های گنگ و مبهم جنگ‌ها، مسأله کاملن واضح و مبرهن می‌باشد. جنگ‌ها اغلبین تداوم جنایات سازمان یافته محسوب می‌گردند. در بسا مواقع، بمشکل بتوان سازمان‌ها و دسته‌بندی‌های جنایتکار را از بقایا و بازمانده‌های نیروهای مسلح قبلی، از باند‌های مسلح و فرماندهان خودخوانده که از سرقت دارایی‌های عامه به مال و منالی دست یافته‌اند، مجزا نمود. ممکن بجا خواهد بود تا آنها را بمثابه عامل تشدید خشونت‌ها نامید.

ارائه پاسخ به پرسش‌های فوق با در نظر داشت وسعت و عمق نگاه تاریخی به سیاست معاصر جهانی، امکان پذیر می‌باشد.

شرکت و سهم‌گیری ساختارهای دولتی در جنگ‌ها و زرد و خوردهای کنونی، بازگوکننده بسیاری از واقعیت‌ها در عرصه مورد نظر می‌باشد. واقعیت امر اینست که در اروپا طی مدت زمان سه صد سال، دولت بر جنگ‌ها و انجام زرد و خوردهای نظامی انحصار کامل و بی‌چون و چرایی داشت. در شرایط و وضعیت کنونی، اصل مطلب معکوس گردیده و جنگ‌ها در مجموع، بگونه شخصی و خصوصی سازماندهی و اجراء می‌گردند. زرد و خوردها و ضد و نقیض‌ها میان قبایل و گروه‌های جداگانه نژادی و مذهبی، جدا از شرکت دولت‌ها عملن موجود می‌باشد.

نباید فراموش نمود که دولت در سده کنونی، انحصار و تسلطش را در امر سازماندهی و پیشبرد جنگ‌ها کاملن از دست داده است. در بسیاری از جنگ‌های معاصر، شاهد اختلاط بازیکنان دولتی، شبه دولتی و بخش‌های خصوصی می‌باشیم. اما حضور و شرکت عملی بسیاری از گروه‌ها در حوادث و برخوردهای مطرح، بگونه اجباری می‌باشد که بنحوی از انحاء در پی سودجویی از حوادث بوده و اصلن در اندیشه صلح و آرامش در کشورهایشان نبوده و ضرورت امنیت جهان در تصور آنها نیز نمی‌گنجد. جنگ در افریقا، یوگوسلاویا، قفقاز و زرد و خوردهای خونین و خانه برانداز بیش از سه دهه اخیر در اراضی کشور عزیز ما افغانستان، ویرانی‌ها و کشتارهای بی‌شمار انسان‌ها را، آوارگی و در بگیری مردمان و باشندگان کشور و... را در ذهن‌ها تداعی می‌نماید که می‌توان خسارات وارده از آنها بیشتر از خسارات و صدمه‌های وارده در جنگ‌های سده ۲۰ بشمار آورد.

می‌توان ویژگی‌های برخورد‌های مسلحانه و جنگی را بگونه ذیل خلاصه نمود:

- در دسترس بودن بیشترین بازیکنان؛
- طولانی بودن زرد و خوردهای یادشده؛
- نامتقارن بودن تقابل‌ها و رویارویی‌ها؛
- نابرابری شرکت کنندگان درگیری‌ها؛
- تلفات گسترده اهالی ملکی؛
- تداوم و بکارگیری اقتصاد جنایی؛
- ارزانتر بودن وسایل تداوم جنگ‌ها؛
- عدم تعویض جنگ‌های بزرگ به جنگ‌های محلی؛
- تاکتیک خسته کننده جنگ‌های پارتیزانی؛
- افزایش اهمیت فاکتورهای نژادی و مذهبی؛
- کاهش نقش ایدئولوژی‌های سنتی؛
- سربازگیری کودکان؛

و موجودیت بیشمار جنایات جنسی.

در نتیجه، نباید فراموش نمود که موضوع درگیری های معاصرو مدرن رارزانتربودن سلاح و بگونه ویژه ای موجودیت بازیگران خصوصی تشکیل می دهند. به نهایت سادگی و سهولت میتوان اسلحه ارزان قیمت را بدست آورده و آموزش های نظامی نیز طولانی مدت نبوده و درمدت زمان اندکی، جنگجویان، آماده شرکت و پیشبرد جنگ ها و نبردها می گردند.

ویژگی دیگر جنگ ها و درگیری های معاصرو مدرن را میتوان ازمنظر سهمگیری شرکت کنندگان جنگ و عدم تقارن آنها بحساب آورد، جبهه جنگ بگونه ای غایب بوده و جنگ های بزرگ به ندرت اتفاق می افتد. درچنین وضعیتی، قوای مسلح متحمل اندکترین تلفات گردیده و اما اهالی ملکی تلفات و ویرانی های بیشماری را متقبل می گردند.

اصل نامتقارن بودن از این رهگذر محاسبه می گردد که شیوه های تاکتیکی و تاکتیک بمفهوم وسیع کلمه، از اهمیت ستراتیژیکی برخوردار می گردند. دراین عرصه، جنگ ها و اقدامات پارتیزانی(چریکی) از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد.

بصورت مکرر، اهمیت ویژگی جنگ های کنونی و معاصر را می توان بگونه خاص، در نبود و فقدان سعی و تلاش بمنظور محلی سازی جنگ ها جستجو نمود. از آنجایی که شورشیان به زد و خوردها و دوئل های مخفیانه نمی اندیشند، اغلب کنترل شان را بر حوادث اتفاقیه از دست داده وبگونه ناگهانی از کمین به حمله وهجوم رومی آورند.

نباید ارزش و اهمیت منحصر بفرد فاکتورهای ایدئولوژیک، کم اهمیت تلقی گردد. با اینحال، خصوصیات منحصر بفرد قومی - نژادی وفرهنگی وهمچنان باورهای مذهبی در مجموعه برخوردها وجنگ های معاصر نیز از نقش وتأثیرگذاری قابل توجهی برخوردار می باشند. اگر در بالکان، قفقاز و در شرق میانه وفلسطین، جنگ وبرخورد های مسلحانه وجود نمیداشت، ممکن جنگ ومناقشات نظامی در بالکان، قفقاز وافغانستان بگونه ونحوه دیگری سپر می نمود.

در مورد باید یادآور شد که از سده ۱۹، اراضی کشور عزیز ما افغانستان، به منطقه ومحل تضاد منافع امپراطوری تزاری روس وامپراطوری استعماری انگلیس که هنوز هم برهند حاکمیت تمام عیارش را حفظ نموده بود، مبدل گردید. ورود قطعات نظامی شوروی دراواخر سده ۲۰ به کشور ما و در مقابل، پشتیبانی وحمایت همه جانبه وگسترده غرب از طیف وسیع مخالفان مسلح حاکمیت سیاسی افغانستان، زمینه تداوم جنگ و زد و خوردهای نظامی را مهیا نموده و در نتیجه، ساختار دولتی کشور ما شدیدن صدمه دیده و تلاش ها بمنظور احیاء و بهتر شدن آن نیز متوقف گردید. از چنین وضعیت ناهنجار و مصیبت بار، پاکستان بگونه گسترده ای بهره برداری نموده و در صدد آن شد تا در امر مبارزه باهند، در کشور عزیز ما، جای پای برایش دست و پا نماید. چه، امر مبارزه و موجودیت تضادها و ضد نقیض گویی ها میان هند و پاکستان با فروریزی امپراطوری استعماری بریتانیا در منطقه ارتباط مستقیمی داشته و در وضعیت و شرایط کنونی نیز ابعاد نوینی کسب نموده است.

بیست ونهم ماه جولای سال ۲۰۱۸